

۴

نقش اندیشکده بروکینگز در تدوین سیاست خارجی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی ۲۰۱۶-۲۰۲۰)

دکتر مجید عباسی^۱

رضا بخشی‌آنی^۲

هانیه دانشور^۳

درجه مقاله: علمی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷

^۱. عضو هیات علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. dr.majidabbasi@gmail.com

^۲. دانش آموخته دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Bakhshiani_reza@gsme.sharif.edu

^۳. کارشناسی ارشد زبان انگلیسی، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، مشهد، ایران. daneshvar94@gmail.com

چکیده

اندیشکده بروکینگز در شکل دهی به سیاست خارجی دولت دموکرات ایالات متحده و ایده پردازی در آن نقش مهمی ایفا می نماید. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی گزارش های این اندیشکده در خصوص ایران را در سه دسته تفکیک شده مورد بررسی محتوایی قرار می دهد؛ سپس با استفاده از رویکرد آماری، جایگاه و سهم ایران در فعالیت های این اندیشکده را محاسبه می نماید. تحلیل گزارش های اندیشکده بروکینگز بیانگر این است که خطوط سیاستی این اندیشکده در قبال ایران در سه حوزه امور بین الملل، دفاع و امنیت و خاورمیانه تأثیر به سزایی در شکل گیری سیاست خارجی آمریکا در خصوص ایران دارد. با تکیه بر داده های آماری حدود ۸۲ درصد از گزارش های این اندیشکده در خصوص ایران، متمرکز بر دو حوزه امور بین الملل و دفاع و امنیت است. در نهایت، با به کارگیری نظریه بازی ها و تحلیل راهبرد ارائه شده از سوی اندیشکده بروکینگز در خصوص مسئله تأمین امنیت دفاعی آمریکا از طریق عراق، نشان داده می شود که ایالات متحده برای تأمین امنیت دفاعی خود در برابر محور مقاومت، به ابقای پایگاه های نظامی خود و افزایش امنیت این پایگاه ها در عراق نیازمند است و برای نیل به این هدف باید از نخست وزیر عراق حمایت نماید. ایران نیز برای تأمین امنیت دفاعی خود و کاهش خطر حمله آمریکا به ایران، باید به حمایت از گروه های مقاومت بپردازد.

• واژگان کلیدی

اندیشکده بروکینگز، سیاست خارجی آمریکا، امنیت دفاعی آمریکا، ایران، عراق.

مقدمه

اندیشکده‌ها بیش از یک قرن است که در ساختار سیاست خارجی امریکا جای گرفته‌اند و نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌نمایند. حادثه یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ سبب شد که این تشکیلات به سرعت رشد نموده و با توجه به افزایش تقاضا، نیروهای تحقیقاتی اندیشکده‌ها نیز افزایش یابد (Drezner, 2015: 637).

اولین موج اندیشکده‌های مرتبط با سیاست خارجی امریکا، در اوایل قرن بیستم به راه افتاد. سه اندیشکده در این دوره در عرصه جهانی ظاهر شدند. موقوفه کارنگی برای صلح بین‌المللی^۱ در سال ۱۹۱۰ توسط اندرو کارنگی^۲، نهاد هوور^۳ در سال ۱۹۱۹ توسط رئیس‌جمهور سابق امریکا هربرت هوور^۴ و شورای روابط خارجی^۵ در سال ۱۹۲۱ تأسیس گردیدند و در دنیای سیاست به یکی از پرچم‌داران سیاست خارجی تبدیل شدند. اندیشکده بروکینگز که از ادغام سه مؤسسه دیگر به وجود آمده است، به همراه مؤسسه امریکن اینترپرایز^۶، در زمینه سیاست خارجی عملکرد بسیار خوبی از خود نشان داده‌اند.

این اندیشکده‌ها و دیگر اندیشکده‌هایی که در دهه‌های آغازین قرن بیستم به عرصه ظهور رسیدند، دانش علمی را در مسائل مربوط به سیاست‌گذاری دخیل نمودند. به عقیده کنت ویور^۷، یکی از مشاوران اصلی اندیشکده بروکینگز، اندیشکده‌ها دانشگاه‌های بدون دانشجو هستند. بالاینکه اندیشمندان حاضر در اندیشکده‌ها در سال‌های آغازین شروع فعالیت اندیشکده‌ها به سیاست‌گذاران مشاوره ارائه می‌دادند، اما هدف اصلی آن‌ها تعلیم و آگاهی بخشی به سیاست‌گذاران و عموم مردم در خصوص تبعات گزینه‌های سیاست خارجی بود (Ahmad, 2008: 531-532).

در پژوهش حاضر، اثرگذاری اندیشکده بروکینگز در سیاست خارجی بایدن علیه ایران موردبررسی قرار گرفته است. به گفته مسئولان این اندیشکده، نهاد بروکینگز غیرانتفاعی بوده و فعالیت‌های مستقل آن در راستای ارائه ایده‌های کاربردی و بدیع است تا مشکلات جامعه را رفع

1. Carnegie Endowment for International Peace (CEIP)

2. Andrew Carnegie

3. Hoover Institution

4. Herbert Hoover

5. Council on Foreign Relations (CFR)

6. American Enterprise Institute (AEI)

7. Kent Weaver

نماید. این اندیشکده به صورت بی طرف فعالیت می نماید، جهت گیری حزبی ندارد و از محل وجوهات اهدایی تأمین مالی می شود.

این پژوهش درصدد تبیین اهداف اندیشکده بروکینگز در قبال ایران برآمده است و برای نیل به این هدف، الگوی نظریه بازی‌ها^۱ را به کار گرفته است. پژوهش حاضر این فرضیه را مورد بررسی قرار می دهد که اندیشکده بروکینگز بیشترین تأثیر را در مقابله با گروه های مقاومت در عراق و مقابله با توان موشکی ایران داشته و برای تغییر نظام جمهوری اسلامی و روی کار آمدن حزب اصلاح طلب در مجلس و دولت ایران تلاش نموده است. با هدف بررسی صحت این فرضیه، در بخش دوم، مروری بر ادبیات اندیشکده ها، دسته بندی اندیشکده های امریکا، انواع اندیشکده ها از نظر تأمین مالی و همچنین مروری بر نظریه بازی ها صورت می پذیرد. بخش سوم به معرفی اندیشکده بروکینگز، چهره های شاخص آن، جهت گیری حزبی هریک از این افراد و حامیان مالی این اندیشکده می پردازد. در بخش چهارم نیز گزارش های این اندیشکده در خصوص ایران، دسته بندی و مورد تحلیل محتوایی قرار خواهد گرفت. بخش پنجم به بررسی کمی سهم گزارش های ایران در حجم فعالیت های فکری این اندیشکده با استفاده از رویکرد آماری می پردازد. در نهایت، در بخش ششم تحلیل راهبرد اندیشکده بروکینگز در چارچوب نظریه بازی ها ارائه خواهد شد.

۱. مروری بر ادبیات

هم زمان با عصر ترقی خواهی^۲ در اوایل قرن بیستم، صنعتگران و افراد خیر حاضر در امریکا، مانند اندرو کارنگی، رابرت سومرز بروکینگز^۳ و هربرت هوور که به عنوان سی و یکمین رئیس جمهور امریکا انتخاب شد، به اهمیت تأسیس مؤسسه هایی متشکل از متخصصان اقتصاد، آمار و ریاضی و همچنین دانشمندان علوم سیاسی و تاریخ دانان مشهور پی بردند و دانش این افراد را برای بررسی مشکلات موجود در حوزه سیاست گذاری عمومی به کار گرفتند. کارنگی، بروکینگز و هوور معتقد بودند که ایجاد و تأسیس محیطی خاص برای تحقیق در زمینه سیاست عمومی می تواند در روند سیاست گذاری تأثیر به سزایی داشته باشد. مشکلات و ضعف های موجود در نظام سیاست گذاری امریکا نیز موجب شد تا اندیشکده ها با سرعت بیشتری به عرصه ظهور برسند (Abelson, 2018).

^۱. Game Theory

^۲. Progressive Era

^۳. Robert Somers Brookings

اندیشکده‌ها مؤسسه‌هایی تحقیقاتی، تحلیلی و تعاملی هستند که در سطح داخلی و بین‌المللی به سیاست‌گذاران و عموم مردم ایده و مشاوره‌های سیاستی ارائه می‌دهند (McGann, 2011: 8). اندیشکده‌ها در تلاش هستند تا مباحث سیاستی در سطح عمومی را بهبود بخشند و طرح‌های سیاستی دقیق و ایده‌های سیاستی جدیدی را به سیاست‌گذاران ارائه نمایند. به‌طور خلاصه، اندیشکده‌ها درصدد تأثیرگذاری در حوزه سیاست‌گذاری هستند و در این راه از ابزار مختلفی استفاده می‌نمایند (Chance, 2016: 5). از دیدگاه سیاست‌گذاران آمریکایی، اندیشکده‌ها مزیت‌های مختلفی دارند و مهم‌ترین آن‌ها «تولید اندیشه‌های جدید» است که منجر به تغییر جهان‌بینی و عملکرد سیاست‌گذاران خواهد شد (Haass, 2002: 6).

برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد^۱ در تعریف خود از اندیشکده‌ها، آن‌ها را به‌منزله پلی میان دانش و قدرت معرفی می‌نماید. اندیشکده‌ها به‌عنوان فیلتر و آمیشگری^۲ عمل می‌نمایند که شناسایی مشکلات موجود در حوزه سیاست‌گذاری، طراحی راه‌حل‌های سیاستی، اجرا و دریافت بازخورد این سیاست‌ها را بر عهده‌دارند. سیاست‌گذاران نیز برای حل مشکلات اساسی خود در زمینه سیاست‌گذاری، به مؤسساتی قابل‌اعتماد نیاز دارند تا تصمیم‌های سیاستی مؤثرتری ارائه دهند.

اندیشکده‌ها در ساختارهای سیاسی متعددی مشغول به فعالیت هستند و از طریق مؤسسات مختلف، در امور مربوط به سیاست‌گذاری شرکت می‌نمایند. بااینکه اندیشکده‌ها در حوزه‌های بسیاری با یکدیگر اختلاف دارند، اما هدف اصلی تمام اندیشکده‌های دنیا ارائه تحقیقات و تحلیل‌های باکیفیت است. ایده‌ها و مشاوره‌های ارائه‌شده از سوی اندیشکده‌ها موجب شفافیت روند سیاست‌گذاری خواهد شد (McGann, 2011: 9).

بخش‌های بسیار اندکی در دولت آمریکا و روند سیاست‌گذاری این کشور یافت می‌شود که اندیشکده‌ها به آن ورود پیدا نکرده باشند. با تخصصی شدن حوزه‌های فعالیت هر اندیشکده، ایده‌های سیاستی آن‌ها راحت‌تر در اختیار سیاست‌گذاران اصلی کنگره و بخش‌های اجرایی دولت آمریکا قرار می‌گیرد.

اعضای کنگره نیز به دلایل مختلفی به اندیشکده‌ها مراجعه می‌نمایند. یکی از این دلایل، به کار گرفته شدن سیاست‌مداران عالی‌رتبه در اندیشکده‌ها و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی بسیار عالی در سطح داخلی و خارجی است. حضور اعضای بلندمرتبه کابینه دولت‌های پیشین و دیگر سیاست‌گذاران باتجربه موجب می‌شود تا اعضای کنگره، بخش‌های اجرایی دولت و رئیس‌جمهور

1. United Nations Development Program

2. Synthesizer

برای دریافت مشاوره‌های سیاستی به سمت اندیشکده‌ها سوق پیدا کنند. کارشناسان و اندیشمندان حاضر در اندیشکده‌ها نیز نسبت به نیازهای سیاست‌مداران کاملاً واقف هستند و در زمینه آگاهی بخشی به اعضای کنگره در خصوص مزایا و معایب هر تصمیم سیاستی فعالیت می‌نمایند (Abelson, 2018). یکی از دلایل دیگر تمایل دولت امریکا به اندیشکده‌ها، به‌کارگیری اندیشمندان حاضر در اندیشکده‌ها به‌منظور تکمیل پست‌های رده‌بالای دولتی است (Arlin, 2014: 9). به‌عنوان نمونه، در دوران ریاست‌جمهوری کارتر^۱، ریگان^۲، کلینتون^۳، بوش^۴ و اوباما^۵، اندیشکده‌های بسیاری اعم از بروکینگز، هوور، امریکن اینترپرایز^۶ و مرکز امنیت نوین امریکا^۷ نیروی موردنیاز برای تکمیل پست‌های مهم و کلیدی این دولت‌ها را تأمین نموده‌اند (Abelson, 2018).

۲. دسته‌بندی اندیشکده‌های امریکا

برای شناخت هرچه بیشتر اندیشکده‌ها باید ابتدا روابط، ساختار سازمانی و همچنین گرایش سیاسی و فلسفی آن اندیشکده موردبررسی قرار گیرد. راهبرد و ساختار هر اندیشکده به‌طورمعمول سیاست‌های خروجی و حوزه سیاست‌گذاری آن اندیشکده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اندیشکده‌های امریکا معمولاً به چهار دسته تقسیم می‌شوند: مؤسسه آکادمیک^۸ (با هدف عمومی یا خاص)، مؤسسه تحقیقاتی قراردادی^۹، مؤسسه حمایتی و سیاسی^{۱۰}، یا ترکیبی از این انواع. اندیشکده‌های امریکا معمولاً طرفدار یک حزب خاص نیستند اما ممکن است به کنگره، سازمان‌های دولتی، دانشگاه‌ها یا نهادها وابسته باشند. اندیشکده‌ها از لحاظ جهت‌گیری سیاسی نیز به پنج دسته تقسیم می‌شوند: محافظه‌کار^{۱۱}، راست میانه‌رو^{۱۲}، میانه‌رو^{۱۳}، چپ میانه‌رو^{۱۴} و ترقی‌خواه^{۱۵} (McGann, 2005: 6). جدول ذیل جهت‌گیری سیاسی برخی اندیشکده‌ها را نشان می‌دهد:

1. Carter
2. Reagan
3. Clinton
4. Bush
5. Obama
6. American Enterprise Institute
7. Center for New American Security
8. Academic
9. Contract Research
10. Advocacy and Policy Enterprise
11. Conservative
12. Center Right
13. Centrist
14. Center Left
15. Progressive

جدول ۱. جهت‌گیری سیاسی برخی اندیشکده‌های آمریکا (McGann, 2005: 11-13)

نام اندیشکده	گرایش سیاسی و فلسفی
محافظه‌کار	
بنیاد هریتیج ^۱	محافظه‌کار
مؤسسه امریکن اینترپرایز	محافظه‌کار
مؤسسه هادسن ^۲	محافظه‌کار
مؤسسه هوور	محافظه‌کار
راست میانه‌رو	
انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک ^۳	راست میانه‌رو
رند کورپوریشن ^۴	راست میانه‌رو
مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی ^۵	راست میانه‌رو
میانه‌رو	
مؤسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون ^۶	میانه‌رو
مؤسسه میلکن ^۷	میانه‌رو
دفتر ملی پژوهش اقتصادی ^۸	میانه‌رو
چپ میانه‌رو	
مؤسسه اِربِن ^۹	چپ میانه‌رو
مؤسسه بروکینگز	چپ میانه‌رو
مرکز کارتر ^{۱۰}	چپ میانه‌رو
ترقی‌خواه	
مرکز پیشرفت آمریکا ^{۱۱}	ترقی‌خواه
مرکز اطلاعات دفاعی ^{۱۲}	ترقی‌خواه

۱. Heritage Foundation

۲. Hudson Institute

۳. Washington Institute for Near East Policy

۴. RAND Corporation

۵. Center for Strategic and International Studies

۶. Peterson Institute for International Economics

۷. Milken Institute

۸. National Bureau of Economic Research

۹. Urban Institute

۱۰. Carter Center

۱۱. Center for American Progress

۱۲. Center for Defense Information

۱.۲. تأمین مالی اندیشکده‌ها

از میان تمام اندیشکده‌های امریکا فقط تعداد کمی از آن‌ها بخش اعظم بودجه خود را از محل وجوهات اهدایی تأمین می‌نمایند. در میان همه آن‌ها، بنیاد هریتیج در دریافت مستقیم وجوهات اهدایی عملکرد بسیار موفقی داشته و بیشتر با افرادی در ارتباط است که جهت‌گیری محافظه‌کار دارند. اندیشکده شورای روابط خارجی نیز بخش زیادی از بودجه خود را از محل وجوهات اهدایی تأمین می‌نماید و این در حالی است که دیگر اندیشکده‌ها به‌تازگی به این روش روی آورده‌اند و از طریق برگزاری سمینار و گردهمایی درصدد افزایش بودجه هستند. انجام تحقیقات به‌صورت قراردادی نیز یکی دیگر از موضوعات مهم در میان اندیشکده‌های امریکا است. نهاد بروکینگز و مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، حدود ۱۵ درصد از بودجه خود را از طریق قراردادهای دولتی تأمین می‌نمایند. مؤسسه امریکن اینترپرایز برخلاف این اندیشکده‌ها، تمامی قراردادهای دولتی خود را حذف نموده تا استقلال خود را در انجام تحقیقات مختلف حفظ نماید و تحقیقات این اندیشکده دستخوش خواسته‌های دولت قرار نگیرد.

از میان بزرگ‌ترین اندیشکده‌های امریکا، فقط دو اندیشکده کارنگی و بروکینگز از طریق موقوفه اداره می‌شوند و تنها بخش کمی از بودجه آن‌ها از طریق قراردادهای دولتی تأمین می‌شود. حجم بالای موقوفه آن‌ها سبب می‌شود تا با مشکلات موجود در دیگر اندیشکده‌ها مواجه نشوند. تعداد زیادی از اندیشکده‌های امریکا در تلاش هستند تا همانند این دو اندیشکده، افرادی را برای سرمایه‌گذاری دائمی و پایدار جذب نمایند.

وابستگی صرف به یک حامی مالی یا تعداد محدودی از حامیان مالی خطرناک است و اندیشکده مرکز پیشرفت امریکا در حال حاضر با این مشکل مواجه شده است. حامی مالی مرکز پیشرفت امریکا جرج سوروس^۱ است که فردی تندرو محسوب می‌شود و اگر تصمیم او برای پشتیبانی از این اندیشکده تغییر کند، فعالیت این اندیشکده به‌صورت کامل مختل خواهد شد. دریافت حدود ۲۰ درصد پشتیبانی مالی از سوی مؤسسه‌های بزرگ در کنار حامیان مالی ثابت، برای اندیشکده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اندیشکده‌ها بیشتر تمایل دارند از مؤسسه‌های همسو با دیدگاه‌های خود پشتیبانی مالی دریافت نمایند (Wiarda, 2008: 114-115).

در زمان‌های گذشته، اندیشکده‌ها بر این عقیده استوار بودند که خروجی پژوهشی باکیفیت، موجب جذب حامیان مالی به‌سوی اندیشکده‌ای خاص خواهد شد اما این دیدگاه در حال حاضر

^۱. George Soros

کاربردی نیست. افزایش یافتن تعداد اندیشکده‌ها، تنوع فعالیت هریک از آن‌ها و تغییر سیاست‌های تأمین بودجه اندیشکده‌ها موجب شده است تا هر اندیشکده راه‌های مختلفی برای ارائه دستاوردهای پژوهشی و ایده‌های خود برگزیند. این امر سبب شده است که برخی اندیشکده‌ها در حوزه‌های تخصصی انحصاری ورود پیدا کرده و مشغول به فعالیت شوند تا از سایر اندیشکده‌ها مجزا گردند (McGann, 2007: 46).

۲.۲. نظریه بازی‌ها

نظریه بازی‌ها، دانشی است که تصمیم‌گیری در شرایط رقابتی را موردبررسی قرار می‌دهد. در تعریفی دقیق‌تر، نظریه بازی‌ها علم تصمیم‌گیری مطلوب در شرایط رقابت است و این موضوع زمانی متجلی می‌شود که تصمیم‌های اتخاذشده توسط یکی از افراد، موجب تغییر موقعیت تمامی افراد حاضر در بازی شود (Griffin, 2012: xi). این نظریه بر پایه علم ریاضیات بنا شده است و در حوزه‌های مختلف قابل استفاده است. نظریه بازی‌ها زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که گروهی از افراد در تصمیم‌گیری خود تردید داشته باشند. این نظریه همچنین رفتار عقلایی هر فرد را در بازی شفاف می‌نماید (Rosenmüller & Trockel, 2001: 3-4).

یکی از دیدگاه‌های منشأ گرفته از نظریه بازی‌ها، معمای زندانی^۱ است که توسط مریل فلاد^۲ و ملوین درشر^۳، از محققان شرکت رند^۴، معرفی گردید و آلبرت تاکر^۵ نیز در سال ۱۹۵۰ نام معمای زندانی را برای آن انتخاب نمود (Poundstone, 1992: 18). معمای زندانی مورد توجه بسیاری از محققان رشته‌های مختلف قرار گرفته و از سال ۱۹۶۰ تا سال ۲۰۱۵ حدود ۱۶۰۰۰ مقاله درباره آن به چاپ رسیده است (Peterson, 2015: 64).

در معمای زندانی، دو نفر که باهم دستگیر شده‌اند، به صورت هم‌زمان در اتاق‌های جداگانه تحت بازپرسی قرار می‌گیرند و به هر یک از آن‌ها دو گزینه پیشنهاد می‌شود: اعتراف یا سکوت. در این بازی، چهار رویداد محتمل است و فقط یکی از این رویدادها رخ خواهد داد. در صورتی که یکی از افراد بازداشت‌شده اعتراف کند و فرد دیگر اعتراف نکند، فردی که اعتراف نموده آزاد خواهد شد. اگر هر دو سکوت اختیار نمایند، هریک به یک سال حبس محکوم خواهند شد. در صورت اعتراف هر دو

1. Prisoner's Dilemma

2. Merrill Flood

3. Melvin Dresher

4. RAND

5. Albert W. Tucker

نفر، هر یک از آن‌ها به پنج سال حبس محکوم خواهند شد. در صورتی که یکی از افراد سکوت اختیار کند و فرد دیگر اعتراف نماید، فردی که سکوت نموده است به ده سال زندان محکوم و فرد دیگر آزاد خواهد شد (Amadae, 2016: 28). در این روش بازپرسی، هر یک از افرادی که دستگیر شده‌اند فقط به منفعت شخصی خود فکر می‌کند و در صدد تخریب شریک خود برمی‌آید (Amadae, 2016: 30).

از میان عواملی که همکاری افراد را در بازی معمای زندانی تحت تأثیر قرار می‌دهد، ساختار ماتریس پیامدها^۱ است. در بسیاری از مدل‌های مربوط به بازی معمای زندانی، تأثیر تغییر پیامدهای بازی بر ماتریس پیامدها در نظر گرفته نشده است. در این صورت، افراد حاضر در این بازی به پیامدهای بازی فعلی توجهی ندارند و حرکات خود را بر اساس پیامدهای بازی‌های قبلی خود تنظیم می‌نمایند. در ذهن افراد این‌گونه نقش بسته است که فقط همکاری آن‌ها پاداش در پی دارد و این در حالی است که سکوت آن‌ها منجر به دریافت پاداش بهتری خواهد شد (Maurice, Hristova, & Lalev., 2010: 169-170).

۳. اندیشکده بروکینگز

اندیشکده بروکینگز که یکی از قدیمی‌ترین و برجسته‌ترین اندیشکده‌های امریکا است، هدف خود را ارائه پژوهش با کیفیت بالا، استقلال و تأثیرگذاری در سیاست اعلام نموده است (Anheier & Toepler, 2009: 86). این اندیشکده از ادغام سه مؤسسه مجزا که توسط رابرت بروکینگز تأسیس شده بود، به وجود آمد. مؤسسه بروکینگز تحقیقاتی بین‌رشته‌ای و بدون جهت‌گیری حزبی ارائه می‌دهد و نیاز سیاست‌گذاران و عموم مردم را برطرف می‌نماید. رابرت بروکینگز از ابتدای تأسیس این اندیشکده در نظر داشت تا مؤسسه بروکینگز محلی برای تولید، پرورش و انتشار پژوهش‌های علمی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باشد و حل مشکلات داخلی و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهد. او معتقد بود که این اندیشکده باید با جهت‌گیری گروه‌های ذی‌نفع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همسو نباشد و به صورت مستقل به انجام فعالیت‌های پژوهشی بپردازد.

این اندیشکده حدود ۳۰۰ کارمند، کارشناس ثابت و همکار پژوهشی غیر ثابت دارد و بودجه سالانه آن از ۱۰۰ میلیون دلار نیز فراتر می‌رود. مؤسسه بروکینگز یکی از بزرگ‌ترین اندیشکده‌های ایالات متحده است و بخش زیادی از بودجه آن، از محل موقوفه‌ها و وجوهات اهدایی از سوی افراد، نهادها و دولت‌های خارجی تأمین می‌شود.

۱. Payoff Matrix

اندیشکده بروکینگز همانند دانشگاه‌ها از گروه‌های علمی و پژوهشی متعددی تشکیل شده است و برنامه‌های مختلفی را دنبال می‌نماید. این اندیشکده همچنین مراکز سیاستی متعددی دارد که هر کدام از آن‌ها بر حوزه‌های خاصی از سیاست‌گذاری متمرکز هستند. برخی از این مراکز عبارت‌اند از: مرکز سیاست سلامت^۱، مرکز سیاست خاورمیانه^۲، مرکز سیاست، اجتماع و پویایی^۳ و مرکز سیاست مالیاتی^۴.

تعداد اندکی از اندیشکده‌های آمریکا قادر به تولید ایده‌های سیاستی هم‌تراز با اندیشکده بروکینگز هستند. این اندیشکده هر ساله تعداد زیادی کتاب و خروجی پژوهشی برای مخاطبان مختلف به چاپ می‌رساند. کارشناسان بروکینگز نیز از رسانه‌های مختلف و ارائه گزارش در کنگره بهره می‌گیرند تا دستاوردها و ایده‌های پژوهشی خود در حوزه‌های مختلف را به سیاست‌گذاران ارائه دهند. افراد مشهوری که از مقامات بلندپایه دولت‌های پیشین آمریکا هستند نیز در این اندیشکده حضور دارند. نام برخی از آن‌ها عبارت است از: الیس ریولین^۵ مدیر اداره مدیریت و بودجه کاخ سفید^۶ (۱۹۹۴-۹۶)، چارلز شولتز^۷ رئیس شورای مشاوران اقتصادی رئیس‌جمهور^۸ (۸۰-۱۹۷۷)، مایکل آرماکوست^۹ رئیس اندیشکده بروکینگز که در وزارت امور خارجه آمریکا نیز فعالیت نموده است (۸۹-۱۹۸۴) و استروب تالبوت^{۱۰} که ریاست نهاد بروکینگز را تا سال ۲۰۱۷ بر عهده داشت و در دوره ریاست جمهوری کلینتون به‌عنوان معاون وزیر امور خارجه وی مشغول به فعالیت بود. در حال حاضر جان آلن^{۱۱} ریاست این اندیشکده را بر عهده دارد (Abelson, 2018).

۱.۳. کارشناسان و اندیشمندان اندیشکده بروکینگز

جهت‌گیری حزبی اندیشکده‌ها از طریق جهت‌گیری حزبی اندیشمندان و کارشناسان آن‌ها قابل بررسی است. پیشینه فعالیت نیروهای تحقیقاتی و مسئولان هر اندیشکده نشان می‌دهد که این افراد غالباً از افراد ذی‌نفوذ در ساختار سیاستی ایالات متحده هستند و جهت‌گیری حزبی هریک از

¹. Center for Health Policy

². Center for Middle East Policy

³. Center on Social and Dynamics and Policy

⁴. Tax Policy Center

⁵. Alice Rivlin

⁶. White House Office of Management and Budget

⁷. Charles Schultze

⁸. President's Council of Economic Advisers

⁹. Michael Armacost

¹⁰. Strobe Talbott

¹¹. John R. Allen

آنها می‌تواند در خروجی پژوهشی آن اندیشکده نمایان شود. در این بخش فعالیت‌های رئیس اندیشکده بروکینگز و کارشناسان و اندیشمندان این اندیشکده که در حوزه ایران فعال هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد و در انتها جهت‌گیری حزبی تعدادی از آنها ارائه خواهد شد.

جان آلن: وی در نوامبر سال ۲۰۱۷ به سمت ریاست نهاد بروکینگز برگزیده شد. او پیش‌ازین به‌عنوان رئیس امنیتی و راهبردی و همچنین همکار ویژه برنامه سیاست خارجی^۱ اندیشکده بروکینگز فعالیت نموده است. آلن ژنرال چهار ستاره بازنشسته نیروی تفنگداران دریایی ایالات متحده آمریکا^۲ بوده و سمت فرماندهی نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت ناتو^۳ و نیروهای آمریکا در افغانستان را نیز بر عهده داشته است. او پس از بازنشستگی از نیروی دریایی آمریکا، بیش از یک سال مشاور ارشد وزارت دفاع در امور خاورمیانه بود و در خلال این امر، راهبری مذاکرات روند صلح رژیم صهیونیستی-فلسطین را نیز بر عهده داشت. پس‌از آن، باراک اوباما او را به‌عنوان فرستاده ویژه رئیس‌جمهور در ائتلاف جهانی مقابله با داعش برگزید. تلاش‌های دیپلماتیک آلن سبب شد تا اعضای این ائتلاف به ۶۵ عضو افزایش یابد.

او در طول چهل سال فعالیت نظامی خود، سمت‌های متعددی در نیروی دریایی و ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا^۴ داشته است. وی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ فرمانده ۱۵۰,۰۰۰ نیروی نظامی آمریکا و ناتو در افغانستان بوده است. آلن در سال ۲۰۰۷ نیز در روند درگیری‌های غرب استان الانبار^۵ عراق، به‌عنوان جانشین فرمانده نیروهای چندملیتی فعالیت نموده است. او از طریق همکاری مستقیم با قبیله‌ها و اقوام استان الانبار، جنبش بیداری (صحوه)^۶ را ایجاد نمود و با کمک آنها، القاعده و نیروهای شورشی حاضر در این استان بزرگ را شکست داد. او همچنین در زمان ریاست جمهوری بوش، مسئول اصلی سیاست آسیا-اقیانوسیه^۷ در وزارت دفاع آمریکا بوده است.

ریچارد نفیو:^۸ وی یکی از اعضای ارشد غیرموظف در برنامه سیاست خارجی نهاد بروکینگز است و در مرکز امنیت، راهبرد و فناوری^۹ در برنامه کنترل و منع گسترش سلاح^{۱۰} فعالیت می‌نماید.

1. Foreign Policy program

2. United States Marine Corps Four-Star General

3. NATO International Security Assistance Force (ISAF)

4. Joint Force

5. Al Anbar

6. Awakening (Sahwa) movement

7. Asia-Pacific

8. Richard Nephew

9. Center for Security, Strategy, and Technology

10. Arms Control and Non-Proliferation Initiative

او همچنین در دانشگاه کلمبیا^۱، در مرکز سیاست‌های انرژی جهانی^۲، پژوهشگر ارشد و مدیر برنامه است. تحقیقات فعلی او بر استفاده از تحریم‌ها برای بازدارندگی و اثر آن بر مشکلات سیاست خارجی آمریکا منعطف است.

ریچارد نفیو مؤلف کتاب هنر تحریم‌ها^۳ است که در سال ۲۰۱۸ توسط انتشارات دانشگاه کلمبیا به چاپ رسید. او در این کتاب چارچوبی برای برنامه‌ریزی و اجرای تحریم‌ها ارائه می‌دهد. در این چارچوب به راهبردهای اولیه تحریم به همراه قواعد مسیر اعمال تحریم و تشخیص زمان اثربخشی حداکثری تحریم‌ها اشاره شده است. این کتاب ماحصل تجارب ریچارد نفیو از فعالیت در بخش‌های مختلف دولت آمریکا است.

او از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ در وزارت امور خارجه آمریکا معاون اصلی دنیل فرید^۴، هماهنگ‌کننده سیاست تحریم، بوده است. او به فرید و دیگر مقامات وزارت امور خارجه در خصوص مشکلات موجود در حوزه سیاست‌های تحریمی مشاوره ارائه می‌داد. وی همچنین در طراحی تحریم به‌منظور مقابله با تروریسم، گسترش سلاح، ناامنی منطقه، نقض حقوق بشر و امنیت سایبری نقش بسیار مهمی ایفا نموده است.

نفیو از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ به‌عنوان متخصص تحریم‌ها در گروه آمریکایی مذاکرات برجام^۵ فعالیت نموده است. او همچنین از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ در شورای امنیت ملی^۶ مسئول مذاکرات هسته‌ای و طراحی و اجرای تحریم‌های آمریکا علیه ایران بوده است. فعالیت وی در شورای امنیت ملی موجب شد تا تحریم‌های آمریکا علیه ایران افزایش یابد و اوباما شش دستورالعمل اجرایی جدید علیه ایران صادر و اجرا نماید.

او از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ ابتدا به‌عنوان افسر ارشد هسته‌ای ایران و پس‌از آن در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان مدیر گروه خاورمیانه در دفتر امنیت بین‌المللی و منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای وزارت امور خارجه آمریکا فعالیت نموده است. او در طول این مدت آمریکا را به سمت مذاکره با ایران و اتخاذ راهبرد تحریم ایران در شورای امنیت سازمان ملل^۷ سوق داد. او یکی از اعضای گروه تدوین قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل بود.

1. Columbia University

2. Center on Global Energy Policy

3. The Art of Sanctions

4. Daniel Fried

5. Joint Comprehensive Plan of Actions

6. National Security Council (NSC)

7. U.N. Security Council

نفیو از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ در وزارت انرژی^۱ فعالیت نموده و از سال ۲۰۰۴ نیز دستیار ویژه سیاست منع گسترش سلاح هسته‌ای بوده است. او در این وزارتخانه در روند انحلال برنامه سلاح‌های هسته‌ای لیبی و سیاست‌گذاری در خصوص منافع آمریکا در ایران، کره شمالی و هندوستان فعالیت نموده است.

رابرت آینه‌ورن^۲: وی یکی از تحلیل‌گران ارشد بخش کنترل تسلیحات و منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی^۳ و مرکز امنیت، راهبرد و فناوری در اندیشکده بروکینگز است. این دو بخش، ذیل برنامه سیاست خارجی این اندیشکده فعالیت می‌نمایند. آینه‌ورن بر موضوعاتی همچون کنترل سلاح، منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، مسائل مربوط به امنیت منطقه‌ای (اعم از ایران، خاورمیانه، جنوب آسیا و شمال شرق آسیا) و همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های آمریکا در خصوص تسلیحات هسته‌ای تمرکز دارد.

او پیش از پیوستن به اندیشکده بروکینگز در سال ۲۰۱۳، مشاور ارشد کنترل تسلیحات و منع گسترش سلاح در وزارت امور خارجه آمریکا بوده است. آینه‌ورن در زمان فعالیت خود در وزارت امور خارجه نقشی کلیدی در تدوین و اجرای سیاست آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران (در زمینه تحریم و مذاکرات میان ایران و ۵+۱) بر عهده داشته است. وی در زمینه‌های مختلفی همچون شکل‌دهی رویکردی کلی در خصوص منع گسترش سلاح، پشتیبانی از اهداف موجود در حوزه منع گسترش سلاح از طریق مذاکرات دیپلماتیک با چین، روسیه و کشورهای غیر متحد و رسیدگی به مشکلات مربوط به امنیت هسته‌ای و ثبات راهبردی در جنوب آسیا، به دولت اوباما کمک نموده است. او در سال ۲۰۱۰ نقش مهمی در بسط و توسعه «مروری بر جایگاه انرژی هسته‌ای^۴» داشت و به‌عنوان رئیس هیئت آمریکایی در مذاکرات هسته‌ای داخلی کره جنوبی فعالیت داشته است.

آینه‌ورن از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، یکی از مشاوران ارشد بوده و هدایت برنامه منع گسترش سلاح را بر عهده داشته است. او پیش از پیوستن به این اندیشکده، از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۱ به‌عنوان دستیار وزیر امور خارجه در زمینه منع گسترش سلاح، از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ به‌عنوان معاون دستیار وزیر امور خارجه در امور سیاسی-نظامی و از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۲ نیز به‌عنوان یکی از اعضای طراحی سیاست در وزارت امور خارجه فعالیت نموده

1. Department of Energy (DOE)

2. Robert Einhorn

3. Arms Control and Non-Proliferation Initiative

4. Nuclear Posture Review

است. او از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۶ در کمیسیون خلع سلاح و کنترل تسلیحاتی^۱، سمت‌های مختلفی داشته است که عبارت‌اند از: نماینده این کمیسیون در مذاکرات مربوط به محدودسازی جنگ‌افزارهای راهبردی^۲ با اتحاد جماهیر شوروی و تحلیل‌گر امور بین‌الملل در اندیشکده شورای روابط خارجی.

سوزان مالونی^۳: وی معاون و سرپرست برنامه سیاست خارجی اندیشکده بروکینگز است و بر حوزه‌های تخصصی ایران و انرژی خلیج فارس تمرکز دارد. او به مدت پنج سال به‌عنوان معاون برنامه سیاست خارجی فعالیت داشته است. مالونی یکی از مشهورترین تحلیل‌گران سیاست آمریکا در قبال ایران و در سطح وسیع‌تر، خاورمیانه است و برای ارائه گزارش در کنگره حاضر می‌شود. او همچنین با دولت، سازمان‌های غیرانتفاعی و نهادهای مختلف در تعامل است. از وی به‌عنوان منتقد در رسانه‌های ملی و بین‌المللی دعوت به عمل می‌آید. او مشاور سیاست خارجی هر دو دولت دموکرات و جمهوری خواه بوده و در شرکت اکسان موبیل^۴ نیز به‌عنوان مشاور منطقه خاورمیانه فعالیت نموده است.

دنیل بایمن^۵: او یکی از تحلیل‌گران ارشد اندیشکده بروکینگز است و در مرکز سیاست‌های خاورمیانه این اندیشکده فعالیت می‌نماید. تحقیقات صورت گرفته توسط بایمن، بر مبارزه با تروریسم و امنیت خاورمیانه متمرکز است. وی پیش‌ازاین مسئول پژوهشی مرکز سیاست‌های خاورمیانه در اندیشکده بروکینگز بود. بایمن در حال حاضر استاد دانشگاه جورج تاون^۶ است. او عضو کمیسیون ملی حملات تروریستی علیه ایالات متحده^۷ در ۱۱ سپتامبر و عضو کمیته‌های مشترک اطلاعاتی کاخ سفید و مجلس آمریکا برای تحقیق درباره حملات ۱۱ سپتامبر بوده است. بایمن پیش‌ازاین فعالیت‌ها، در مرکز سیاست عمومی خاورمیانه^۸ در اندیشکده رند^۹، تحلیل‌گر سیاسی و مسئول پژوهشی بوده و در دولت نیز فعالیت نموده است. او مؤلف چندین کتاب در خصوص مبارزه با تروریسم، حمایت کشورها از تروریسم و درگیری و تروریسم در خاورمیانه است.

1. Arms Control and Disarmament Agency (ACDA)

2. strategic arms reduction talks

3. Suzanne Maloney

4. ExxonMobil Corporation

5. Daniel Byman

6. Georgetown University

7. National Commission on Terrorist Attacks on the United States

8. Center for Middle East Public Policy

9. RAND Corporation

استیون هایدمن^۱: او در اندیشکده بروکینگز یکی از تحلیل‌گران غیر عضو در مرکز سیاست‌های خاورمیانه است. وی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ در مؤسسه صلح ایالات‌متحده^۲ سمت‌های مختلفی اعم از معاونت پژوهش‌های کاربردی در حوزه درگیری و مشاور ارشد خاورمیانه را بر عهده داشته است. هایدمن پیش از پیوستن به مؤسسه صلح ایالات‌متحده، مسئول مرکز دموکراسی و جامعه مدنی دانشگاه جورج تاون و استادیار این دانشگاه و از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۱ نیز استادیار دانشگاه کلمبیا^۳ بوده است. وی از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۷ در شورای مطالعات علوم اجتماعی^۴ نیویورک، مسئولیت برنامه صلح و امنیت بین‌المللی^۵ و برنامه خاور نزدیک و خاورمیانه^۶ را بر عهده داشته است. هایدمن در طول سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ رسیدگی به امور مربوط به سوریه را در مؤسسه صلح ایالات‌متحده بر عهده داشته است. او همچنین به دولت‌های اروپایی و آمریکایی در خصوص مسائل سیاست‌گذاری سوریه و وضعیت درگیری‌های موجود در این کشور مشاوره ارائه می‌دهد.

با توجه به فعالیت‌های صورت گرفته توسط این کارشناسان و اندیشمندان و جهت‌گیری حزبی جان آلن، ریچارد نفیو، رابرت آینهورن، سوزان مالونی، دنیل بایمن و استیون هایدمن به‌عنوان افراد کلیدی و شاخص این اندیشکده به‌سوی حزب دموکرات، این نتیجه‌گیری حاصل می‌شود که تحقیقات صورت گرفته در اندیشکده بروکینگز بیشتر به‌سوی منافع حزب دموکرات تمایل دارد.

۲.۳. حامیان مالی اندیشکده بروکینگز

بودجه اندیشکده بروکینگز از محل وجوهای دریافتی حاصل از سرمایه‌گذاری نهادها، بنیادهای خیریه، شرکت‌ها، دولت‌ها و اشخاص مختلف در پروژه‌های تحقیقاتی و برنامه‌های این اندیشکده تأمین می‌شود. نام برخی از حامیان مالی نهاد بروکینگز و مبلغ وجوهای پرداختی هریک از آن‌ها از تاریخ ۱ ژوئیه ۲۰۱۹ لغایت ۳۰ ژوئن ۲۰۲۰ در جدول ذیل نمایش داده شده است (Brookings, 2020).

1. Steven Heydemann

2. United States Institute of Peace (USIP)

3. Columbia University

4. Social Science Research Council

5. Program on International Peace and Security

6. Program on the Near and Middle

جدول ۲. حامیان مالی اندیشکده بروکینگز

ردیف	حامی مالی	وجوهات اهدایی
۱	بنیاد بی.اچ.پی ^۱	
۲	بنیاد بیل و ملیندا گیتس ^۲	
۳	جمهوری فدرال آلمان ^۳	
۴	بنیاد خانواده هاچینز ^۴	بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ دلار
۵	شرکت مایکروسافت ^۵	
۶	سفارت قطر ^۶	
۷	دیوید روبنستین ^۷	
۸	بنیاد ویلیام و فلورا هیولت ^۸	
۹	بنیاد راکفلر ^۹	یک میلیون تا ۱۹۹۹۹۹۹ دلار
۱۰	آرنولد و نچرز ^{۱۰}	
۱۱	بنیاد گامبرل ^{۱۱}	
۱۲	بنیاد لورا و جان آرنولد ^{۱۲}	
۱۳	بانک امریکا ^{۱۳}	۵۰۰۰۰۰ تا ۹۹۹۹۹۹ دلار
۱۴	بنیاد رابرت بوش ^{۱۴}	
۱۵	بنیاد کارنگی نیویورک ^{۱۵}	

طبق بررسی‌های صورت گرفته در زمینه جهت‌گیری حزبی حامیان مالی این اندیشکده، برای نمونه بنیاد بیل و ملیندا گیتس، بنیاد خانواده هاچینز، شرکت مایکروسافت و دیوید روبنستین که جزو بزرگ‌ترین حامیان مالی این اندیشکده هستند، جهت‌گیری حزبی چپ‌گرا دارند و این نتیجه‌گیری حاصل می‌شود که اندیشکده بروکینگز بیشتر به سمت حزب دموکرات تمایل دارد.

^۱. BHP Foundation

^۲. Bill & Melinda Gates Foundation

^۳. Federal Republic of Germany

^۴. The Hutchins Family Foundation

^۵. Microsoft Corporation

^۶. Embassy of the State of Qatar

^۷. David M. Rubenstein

^۸. The William and Flora Hewlett Foundation

^۹. The Rockefeller Foundation

^{۱۰}. Arnold Ventures

^{۱۱}. The Gambrell Foundation

^{۱۲}. Laura and John Arnold Foundation

^{۱۳}. Bank of America

^{۱۴}. Robert Bosch Stiftung

^{۱۵}. Carnegie Corporation of New York

۴. مروری بر گزارش‌های اندیشکده بروکینگز علیه ایران

بخش‌های مختلف دنیا همچون آسیا-اقیانوسیه، اروپا، امریکای لاتین و کارائیب، خاورمیانه، شمال آفریقا و امریکای شمالی در دستور کار تحقیقاتی اندیشکده بروکینگز قرار دارند. حوزه‌های تحقیقاتی این اندیشکده به بخش‌های مختلفی همچون صنعت و تجارت^۱، شهرها و مناطق^۲، دفاع و امنیت^۳، آموزش و پرورش^۴، توسعه جهانی^۵، اقتصاد جهانی^۶، سیاست‌های درمانی^۷، امور بین‌الملل^۸، امور اجتماعی^۹، اقتصاد امریکا^{۱۰}، سیاست و دولت امریکا^{۱۱} تقسیم می‌شود. گزارش‌های این اندیشکده در خصوص ایران در بخش‌های تحقیقاتی امور بین‌الملل، دفاع و امنیت و خاورمیانه منتشر شده است. در این بخش مروری بر این گزارش‌ها صورت خواهد گرفت.

۱.۴. امور بین‌الملل

از جمله موضوعات تحت رصد اندیشکده بروکینگز در بخش تحقیقاتی امور بین‌الملل، تمرکز بر موضوع ایران است. اندیشمندان این اندیشکده بر این عقیده استوار هستند که ایران از طرفی به دلیل سیاست فشار حداکثری ترامپ و از طرف دیگر به دلیل تلاش برای حفظ نفوذ خود در عراق و سوریه، تحت فشار است. به عقیده آن‌ها، حمله هوایی که به شهادت سردار سلیمانی منجر شد و همچنین ترور سردار فخری زاده، فشار مضاعفی را بر ایران تحمیل نموده است.

چند روز پس از دیدار سران آمریکایی، سعودی و رژیم صهیونیستی در عربستان، ترور سردار فخری زاده صورت گرفت. این اتفاق ده روز پس از انتشار خبر احتمال حمله مستقیم امریکا به ایران یا مواضع و متحدان ایران به وقوع پیوست. از نظر کارشناسان این اندیشکده، ایران از گذشته تاکنون به منظور افزایش قدرت بازدارندگی خود، حمله به پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه را به عنوان گزینه‌ای مهم در نظر داشته است اما اظهارات ترامپ مبنی بر خروج نظامیان امریکا از منطقه عراق و افغانستان، برگ برنده ایران را از بین خواهد برد.

¹. Business and Industry

². Cities and Regions

³. Defense and Security

⁴. Education

⁵. Global Development

⁶. Global Economics

⁷. Health care Policies

⁸. International Affairs

⁹. Social Issues

¹⁰. US Economy

¹¹. US Politics & Government

اگر هدف امریکا و متحدانش ایجاد بی‌ثباتی در ایران و وارد نمودن ضربات تسلیحاتی به ایران است، سخت در اشتباه هستند؛ زیرا ایران به سرعت می‌تواند خسارت‌های وارد شده را جبران نموده و زیرساخت‌های حفاظتی خود را بازسازی نماید (Alaaldin, 2020a).

از دیگر موضوعات مورد توجه این اندیشکده، احزاب سیاسی ایران است. بنا بر اذعان این اندیشکده، با روی کار آمدن حزب اصول‌گرا در مجلس ایران، از قدرت حزب اصلاح طلب کاسته شده است. این اندیشکده دلایل کاهش محبوبیت حزب اصلاح طلب در ایران را مورد بررسی قرار داده و به برخی از این دلایل اشاره نموده است که عبارت‌اند از: سیاست فشار حداکثری ترامپ بر دولت روحانی که برگ برنده‌ای برای اصول‌گرایان محسوب می‌شود و روی کار آمدن نمایندگان حزب اصول‌گرا در مجلس در پی افزایش تحریم‌های وضع شده در دولت ترامپ. کارشناسان و اندیشمندان این اندیشکده همچنین پیش‌بینی نموده‌اند که سیاست فشار حداکثری ترامپ و تحریم‌های شدید علیه ایران می‌تواند احتمال پیروزی حزب اصلاح طلب در انتخابات سال ۱۴۰۰ را تقریباً به صفر برساند. بنا بر دیدگاه این اندیشمندان، این امر نشان‌دهنده تأثیر مستقیم سیاست‌های امریکا بر شرایط داخلی ایران است.

از دیدگاه این اندیشکده، قدرت حزب اصول‌گرا در ایران فقط به واسطه سیاست فشار حداکثری ترامپ افزایش نیافته است. عوامل دیگری همچون تغییر یافتن اعضای کابینه دور دوم دولت روحانی (ده ماه پیش از خروج ترامپ از برجام) و برآورده نشدن خواسته برخی از هواداران دولت روحانی، تظاهرات دی‌ماه سال ۹۷ در بیش از ۱۰۰ شهر و روستای ایران (پنج ماه پیش از خروج امریکا از برجام) و تغییر دیدگاه مردم ایران نسبت به حزب اصلاح طلب نیز در این جریان مؤثر بوده است. بنا بر تحلیل ارائه شده از سوی اندیشمندان اندیشکده بروکینگز، با روی کار آمدن اصول‌گرایان در ایران، تنش‌های میان ایران و امریکا افزایش خواهد یافت و مخالفت‌های این حزب با برجام به همراه دیدگاه مقابله با امریکا، مشکلات متعددی را به وجود خواهد آورد (Fathollah-Nejad & Naeni, 2020b).

اندیشکده بروکینگز در زمینه انقلاب اسلامی ایران و جریان‌های اعتراضی به وجود آمده در ایران نیز گزارش‌های متعددی منتشر نموده است. اندیشمندان این اندیشکده معتقد هستند که اعتراضات گسترده مردم، نشان‌دهنده خواسته جدی آن‌ها برای ایجاد تغییرات بنیادی در ایران است. جمهوری اسلامی نیز از طرفی در طول این چهار دهه ثابت نموده است که در برابر تغییرات بنیادین، مقاوم و مصون خواهد بود. گزارش‌های این اندیشکده ابعاد مختلف اجتماعی-اقتصادی و همچنین ابعاد سیاسی اعتراضات شکل گرفته در ایران را مورد بررسی قرار داده است.

بر پایه دیدگاه آن‌ها، انقلاب اسلامی ایران مشکلات سه‌گانه‌ای^۱ (اجتماعی-اقتصادی^۲، سیاسی^۳ و بوم‌شناختی^۴) دارد که از میان آن‌ها، مشکلات سیاسی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار هستند. اگر مشکلات سیاسی مربوط به انقلاب اسلامی ایران حل شود، این امکان وجود دارد که حل دو مشکل دیگر (اجتماعی-اقتصادی و بوم‌شناختی) نیز تسهیل شود.

این اندیشکده تأکید می‌کند که برای تغییر نظام در ایران، باید جبهه اتحاد داخلی علیه نظام در این کشور تشکیل شود. تشکیل جبهه متحد داخلی نیازمند این است که پایگاه‌های اجتماعی داخل ایران با یکدیگر متحد شوند و خواسته‌های اصلی جنبش سبز و معترضان دی‌ماه ۹۷ با یکدیگر همسو گردد. این اقدام موجب می‌شود که تمام اقشار ایران اعم از کارگران، دانشجویان و زنان با یکدیگر متحد شوند و خواسته‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود را به‌صورت تجمیعی اعلام نمایند.

از نظر اندیشمندان این اندیشکده، با توجه به حجم گسترده مشکلات سه‌گانه ایران، مسئولان قادر به حل این مشکلات نخواهند بود. حل نشدن این مشکلات موجب نارضایتی مردم ایران خواهد شد که در این صورت سناریوی ورود نیروهای مسلح (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) برای حل مشکل مطرح خواهد شد. به عقیده کارشناسان این اندیشکده، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز قادر به حل مشکلات سه‌گانه ایران نخواهد بود (Fathollah-Nejad, 2020b).

همچنین در خصوص سیاست فشار حداکثری ترامپ علیه ایران در گزارشی به قلم سوزان مالونی^۵ از مدیران ارشد این اندیشکده آمده است که: «هنگامی که ترامپ در سال ۲۰۱۷ روی کار آمد، تهران توافقنامه‌ای را امضا کرده بود که محصول سال‌ها مذاکره سخت بود. هدف توافق جلوگیری از پیشرفت مداوم هسته‌ای تهران به سوی تسلیحات اتمی بود. این توافق ناقص بود اما در خدمت هدفی که برایش تعیین شد، عمل می‌کرد و هدف آن هم کسب اطمینان از این امر بود که ایران نمی‌تواند به تسلیحات هسته‌ای دست پیدا کند. تصمیم سال ۲۰۱۸ ترامپ در کنار گذاشتن توافق هسته‌ای، محدودیت‌های تهران را از بین برد و برنامه زمانی برای دستیابی ایران به سلاح اتمی را از یک سال به حدود سه ماه و نیم کاهش داد. درحالی که فشار حداکثری ترامپ منابع ایران را کاهش داد اما ایران به پذیرش توافقی تازه وادار نشدند. این خط مشی منافع آمریکا در خاورمیانه را نیز با مشکل مواجه کرد و همزمان خسارت‌هایی را برای ۸۰ میلیون ایرانی به همراه داشت؛

1. Triple Crisis

2. Socio-economic

3. Political

4. Ecological

5. Suzanne Maloney

سیاست ترامپ به نحو چشمگیری غیرسازنده بود... ایالات متحده و شرکای آن باید از روند دیپلماتیک در تعامل با تهران برای رفع نقایص توافق هسته ای استفاده کنند.» (Maloney, 2020) در این گزارش راه حل توافق با جمهوری اسلامی ایران را در افزایش فشارهای تحریمی یا گزینه نظامی نمی بیند بلکه به دولتمردان آمریکایی بر تدام تعاملات دیپلماتیک و بهره مندی از ابزار مذاکره توصیه می شود.

این اندیشکده در گزارش دیگری به قلم رابرت اینهورن از مذاکره کنندگان سابق هسته ای آمریکا و ریچارد نفیو نویسنده کتاب هنر تحریم ها که هر دو از کارشناسان بروکینگز می باشند، توصیه هایی را به دونالد ترامپ ارائه می کند: «... رویکرد تیم ترامپ در قبال ایران شانس اندکی برای موفقیت دارد و با ادامه روند کنونی او هرگز نمی تواند ایران را تسلیم خواسته خود کند... او باید خواسته های کنونی و زیاده خواهانه خود را کنار بگذارد و موضعی واقع گرایانه در پیش بگیرد تا بتواند منافع خود را در خصوص برنامه هسته ای ایران پیش ببرد.» نویسندگان گزارش با اشاره به آسیبی که تحریم های ضدایرانی آمریکا به اقتصاد ایران وارد کرده ؛ درباره علت اصلی ناکامی استراتژی تیم ترامپ در خصوص ایران می نویسند: «علت اصلی، عزم جزم ایران برای مقاومت در برابر خواسته های آمریکا و مقاومت در برابر فشارهای خارجی است. مقامات ایران از این سختی ها و آسیب هایی که متوجه مردم شده است، برای بسیج مردم و مقاومت مردمی استفاده می کنند تا آنها را متوجه «زورگویی» آمریکا کنند. رهبران ایران چندین دهه است که در حال دست و پنجه نرم کردن با تحریم ها هستند و این تیم ترامپ است که از شرایط کنونی خسته و فرسوده شده است» کارشناسان اندیشکده بروکینگز تأکید می کنند: «تصمیم تیم ترامپ برای خروج از برجام تأثیری در محدود کردن برنامه هسته ای ایران نداشت. بازگرداندن مجدد تحریم ها و خواسته های ۱۲ گانه آنها مبنی بر چرخش ۱۸۰ درجه ای رفتار ایران نیز بسیار غیرواقع بینانه است. این اقدامات فقط مقاومت ایران را در مقابل خواسته های آمریکا افزایش خواهد داد. همچنین باعث شده شرکای بالقوه آمریکا که اعمال فشار آنها برای پذیرش محدودیت های معنادار از سوی تهران ضروری است نیز با واشنگتن بیگانه شوند.» (Nephew and Inhum, 2020)

۲.۴. دفاع و امنیت

روابط نظامی ایران، عراق و آمریکا یکی از موضوعات موردتوجه اندیشکده بروکینگز است. کارشناسان بروکینگز در خصوص دستگیری ۱۴ نفر از نیروهای کتائب حزب الله^۱ توسط نیروهای مبارزه با تروریسم در عراق به دستور نخست وزیر این کشور، گزارشی تهیه نموده اند. در این گزارش

^۱. Kataib Hezbollah

راهکارهایی به نخست‌وزیر عراق ارائه شده است تا به کمک آن‌ها با مداخلات نظامی ایران در عراق، از طریق گروه‌های مقاومت، مقابله نماید.

به عقیده کارشناسان این اندیشکده، نخست‌وزیر عراق نباید از طریق گروه‌های مقاومت وارد درگیری‌هایی شود که دولت این کشور مایل به ورود به آن‌ها نیست، بلکه باید به بازآفرینی اقتصادی بپردازد و توجه کشورهای جهان را به تعهد دولت عراق نسبت به ایجاد ثبات در کشور و برآوردن نیازهای فوری مردم عراق جلب نماید. بنا بر ادعای این کارشناسان، دولت کاظمی با مشکلات ساختاری بلندمدتی همچون کنترل شدید کتائب حزب‌الله و دیگر گروه‌های مقاومت بر اقتصاد عراق مواجه است، اما دولت عراق باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا تمایل و ظرفیت خود برای احیای اقتصاد را به مخاطبان داخلی و خارجی نشان دهد. بر پایه دیدگاه آن‌ها، مهم‌ترین سلاح کاظمی پیگیری روند اصلاحات است که به‌وسیله آن، گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به ایران کنار گذاشته می‌شوند و او از این طریق می‌تواند بر قلب و فکر ملت عراق تأثیرگذار باشد.

این اندیشکده تأکید می‌نماید که امنیت در عراق یکی از اجزای سیاست است و اگر دولت عراق و آمریکا به‌صورت جدی خواستار مقابله با نیروهای شبه‌نظامی ایران در عراق هستند، باید در عمل نیز به این خواسته خود پایبند باشند و در تمام زمینه‌ها اراده و اشتیاق خود را نشان دهند و همچنین راهبرد سیاسی خاصی برای عواقب احتمالی آن در نظر بگیرند. آمریکا در حال حاضر روند تلافی‌جویانه را برای مقابله با نیروهای شبه‌نظامی ایران در عراق در پیش گرفته است اما این امر می‌تواند به درگیری ناخواسته میان عراق و ایران منجر شود. این در حالی است که عراق فاقد ظرفیت لازم برای درگیری با ایران است و قطعاً شکست خواهد خورد.

بنا بر تحلیل این اندیشکده، آمریکا باید امنیت نظامی عراق را تأمین و از این کشور برای مقابله با ایران حمایت نماید. آمریکا همچنین باید با همکاری نخست‌وزیر عراق راهبردی را تبیین نماید که ائتلاف سیاسی غیرقابل نفوذی در مجلس عراق تشکیل شود. در این ائتلاف، گروه‌های مختلف سیاسی شیعه، سنی و کرد حضور خواهند داشت و از پشتیبانی آمریکا از عراق و حضور نیروهای آمریکا در عراق حمایت می‌نمایند. این ائتلاف همچنین به نخست‌وزیر عراق تضمین می‌دهد که پس از سرکوب نیروهای حشدالشعبی و نیروهای متحد ایران، به جایگاه او آسیبی وارد نشود و در انتخابات پارلمانی بعدی نیز پیروزی با کاظمی باشد (Alaaldin, 2020b).

دیدگاه این اندیشکده بر این است که آمریکا بدون حضور نظامی در عراق، منافع خود را در زمینه مقابله با تروریسم در کل خاورمیانه از دست خواهد داد. با خروج نیروهای نظامی آمریکا از

عراق، این امکان نیز وجود دارد که قدرت اطلاعاتی و تأثیرگذاری آمریکا نیز کاهش یابد. لازم به ذکر است که آمریکا چندین شبکه اطلاعاتی و جاسوسی در عراق دارد. به گفته اندیشمندان این اندیشکده، خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ موجب شد که خسارت‌های زیادی به منافع آمریکا در این کشور وارد شود (Felbab-Brown, 2020).

در گزارش‌های منتشرشده از سوی این اندیشکده، بر موضوع مقابله با توان موشکی ایران نیز تأکید شده است. آمریکا در طول سال‌های متمادی به دنبال مهار نمودن برنامه موشکی ایران بوده است، زیرا توان موشکی ایران تهدید نظامی متعارفی برای ثبات منطقه‌ای محسوب می‌شود و می‌تواند شرایط شلیک سلاح‌های هسته‌ای تولیدشده در ایران را فراهم آورد. ایران نیز برخلاف تحریم‌های آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل در زمینه تهیه مواد، تجهیزات و فناوری موردنیاز برای ساخت تجهیزات انتقال سلاح‌های هسته‌ای، به فعالیت خود ادامه داده است و بالاترین و متنوع‌ترین توان موشکی را در خاورمیانه دارد. به عقیده کارشناسان این اندیشکده، ایران تجهیزات موردنیاز خود را از کشورهای کره شمالی و چین تهیه می‌نماید و با توان داخلی خود، موشک‌های کوتاه برد و میان برد سوخت مایع و جامد و همچنین موشک‌های کروز تولید می‌کند. ایران همچنین در تلاش برای دستیابی به موشک‌های قاره‌پیما برای حمله به آمریکا است و برنامه موشکی را بخش جدایی‌ناپذیر راهبرد دفاع ملی خود می‌داند.

اندیشمندان این اندیشکده برای مقابله با توان موشکی ایران، گزینه‌هایی در اختیار مقامات آمریکا قرار داده‌اند که عبارت‌اند از: کمک به کشورهای هم‌پیمان برای تشدید نظارت بر تجارت و انتقال کالا و تجهیزات و همچنین کمک به افزایش توان نظامی و دفاعی در برابر موشک‌های بالستیک، کروز و پدافند غیرعامل این کشورها، همکاری نزدیک با کشورهای هم‌پیمان به منظور افزایش فشار دیپلماتیک علیه برنامه موشکی ایران، افزایش آگاهی بین‌المللی در خصوص عواقب برنامه موشکی ایران، افزایش آگاهی از ابعاد مختلف برنامه موشکی ایران و درنهایت تکمیل برنامه دفاعی ناتو برای مقابله با حملات موشکی ایران. این اندیشکده همچنین تأکید می‌کند که آمریکا باید این آمادگی را داشته باشد تا در زمان و شرایط مناسب، وارد مذاکرات مستقیم بر سر توان موشکی ایران شود (Einhorn & Diepen, 2019).

۳.۴. خاورمیانه

اندیشکده بروکینگز تمرکز ویژه‌ای بر مشکلات سه‌گانه (اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و بوم‌شناختی) معطوف داشته و معتقد است که این مشکلات به همراه شیوع ویروس کرونا، مختل

شدن معیشت مردم و مشکلات ناشی از قیمت سوخت، احتمال اعتراض مردم ایران را افزایش داده است. از دیدگاه آن‌ها، مردم معتقد هستند که مسئولین هیچ اقدامی برای بهبود شرایط موجود انجام نداده‌اند و این امر می‌تواند خشم مردم را علیه جمهوری اسلامی ایران برانگیزد (Fathollah-Nejad, 2020a).

بنا بر ادعای محققین این اندیشکده، سیاست فشار حداکثری ترامپ در طول سه سال اخیر فشار زیادی به ایران وارد نموده است و در حال حاضر، شیوع ویروس کرونا نیز بر این مشکلات افزوده است. رئیس‌جمهور ایران بارها آمریکا را تحت فشار قرار داده است تا به دلیل افزایش بحران مربوط به سلامت جامعه و بحران اقتصادی که زندگی تعداد بسیار زیادی از مردم ایران را تحت تأثیر قرار داده است، تحریم‌ها را لغو نماید. مقامات ایران ادعا می‌کنند که به دلیل تحریم‌های آمریکا قادر به واردات دارو نیستند و از طرفی آمریکا نیز مدعی شده است که تحریم‌های دارویی علیه ایران را لغو نموده است. کارشناسان اندیشکده بروکینگز معتقد هستند که ایران از شیوع ویروس کرونا به‌عنوان دست‌آویزی برای لغو تحریم‌ها استفاده می‌کند. تلاش‌های دولت ایران بر پایه شکست روند فشار حداکثری از طریق مذاکره با آمریکا بناشده است و این در حالی است که حزب اصول‌گرا در ایران کاملاً مخالف مذاکره با آمریکا است (Fathollah-Nejad & Naeni, 2020a).

سوزان مالونی معاون موسسه بروکینگز و مدیر بخش سیاست خارجی این موسسه در گزارشی به نام «ارتش در سایه تهران: پرداختن به شبکه نیابتی ایران در خاورمیانه»^۱ که برگرفته از سخنرانی وی در جلسه استماع کمیته روابط خارجی مجلس سنا است و در ۲۸ فوریه ۲۰۲۴ منتشر شده، اشاره می‌کند که: «شبکه نیابتی ایران در سراسر خاورمیانه بزرگ از لبنان تا پاکستان و یمن گسترش یافته است و این شبکه بخش جدایی ناپذیر نفوذ و امنیت ایران است. این شبکه عمق راهبردی و دسترسی منطقه‌ای گسترده‌ای را برای ایران فراهم می‌کند. وجود این شبکه برای منافع آمریکا و متحدانش و بویژه اسرائیل بسیار خطرناک است. آنها سلاح‌های ارزان و فراوانی دارند و با تکیه بر ایدئولوژی و اعتقادات اسلامی به شدت منظم و سرسخت هستند. دولت آمریکا باید با استفاده از ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک و جلب نظر متحدان خود دولت‌های منطقه مانند لبنان و عراق را وادار به برچیدن این گروه‌ها کند و در وهله آخر از ابزار نظامی بهره بگیرد زیرا استفاده از زور به تنهایی نمی‌تواند این شبکه را نابود کند. همانطور که ترور سردار سلیمانی تأثیر محدودی بر این روند داشت. در صورت بهره‌گیری از نیروی نظامی این عملیات باید ائتلافی و با حضور متحدان آمریکا انجام شود.» (Maloney, 2024)

¹. Tehran's Shadow Army: Addressing Iran's Proxy Network in the Middle East

سوزان مالونی در گزارشی دیگر تحت عنوان «تهدیدات فزاینده ایران: ارزیابی سیاست های ایالات متحده در قبال فعالیت های شرورانه ایران»^۱ که در ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳ منتشر شده است اشاره می کند که: «جمهوری اسلامی یک چالش مهم برای منافع آمریکا و امنیت بین المللی است. پرداختن به چالش ایران مستلزم دیپلماسی مدبرانه؛ نمایش قاطعانه قابلیت های آمریکا در سراسر جهان؛ آمادگی برای همکاری با متحدان، شرکا و ائتلاف گسترده تری از کشورها؛ و بویژه عزم راسخ برای حمایت از آرمان های دموکراتیک مردم ایران است. در این گزارش اشاره شده است که یکی از ابزارهای مهم دولت آمریکا برای متوقف کردن تهدیدات ایران، گسترش دسترسی مردم این کشور به اینترنت پر سرعت و توسعه روند اطلاعات و ارتباطات آزاد، حمایت از معترضان داخلی و سازماندهی شورش ها با هدف اشتغال حکومت به بحران های داخلی باید باشد.» (Maloney, 2023)

این موسسه در گزارشی دیگر در می ۲۰۲۲ با عنوان «احیای برجام جایگزین بهتری است- اما آیا می توان آن را پایدار کرد؟»^۲ به قلم رابرت اینهورن اشاره می کند که: «یک برجام احیا شده می تواند به طور قابل اثباتی از تبدیل شدن ایران به یک کشور در آستانه سلاح هسته ای جلوگیری کند و احتمال رویارویی نظامی در سراسر منطقه را که می تواند ایالات متحده را درگیر کند و باعث ایجاد یک برنامه مخفیانه و فشرده ایران برای دستیابی به سلاح های هسته ای شود، کاهش دهد. در غیاب یک توافق، ایالات متحده قادر به ایجاد فشار اقتصادی کافی برای محدود کردن منابع موجود برای فعالیت های بی ثبات کننده هسته ای، موشکی و منطقه ای ایران یا مجبور کردن تهران به پذیرش یک توافق هسته ای محدودتر از برجام نخواهد بود. صرف نظر کردن از بازگشت به برجام، به ایران این امکان را می دهد که برنامه هسته ای خود را افزایش دهد و به طور خطرناکی به آستانه سلاح های هسته ای نزدیک شود. با این حال، یک توافق احیا شده مطمئناً هدف انتقادات شدید، هم در داخل و هم توسط شرکای آمریکا در خاورمیانه قرار خواهد گرفت و بار دیگر این سوال را مطرح می کند که آیا این توافق در مواجهه با تحولات سیاسی آینده و انتقال ریاست جمهوری دوام خواهد داشت یا خیر؟ برای تعدیل مخالفت ها با این توافق در طول زمان و پایداری آن، تصمیم دولت بایدن برای بازگشت به برجام باید با یک استراتژی منطقه ای قاطع تکمیل شود - استراتژی ای که قاطعانه از شرکای خاورمیانه ای آمریکا حمایت کند و با تلاش های ایران برای تسلط بر منطقه مقابله کند.» (Einhorn, 2022)

^۱ Iran's Escalating Threats: Assessing U.S Policy toward Iran's Malign Activities.

^۲ Reviving the JCPOA is the better Alternative- but can it be Made Sustainable?

۵. بررسی آماری

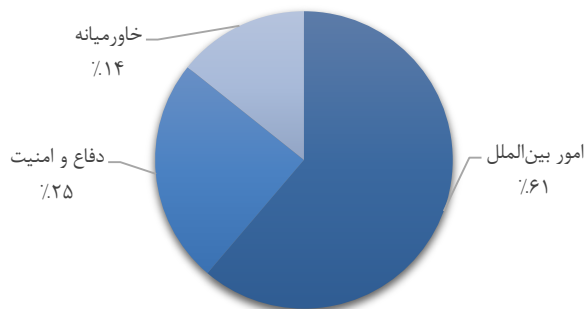
در این بخش، تحلیل جایگاه و وزن گزارش‌های مرتبط با ایران در سیاست‌های ارائه‌شده از سوی اندیشکده بروکینگز، با استفاده از رویکرد کمی و بررسی آماری، ارائه می‌گردد.



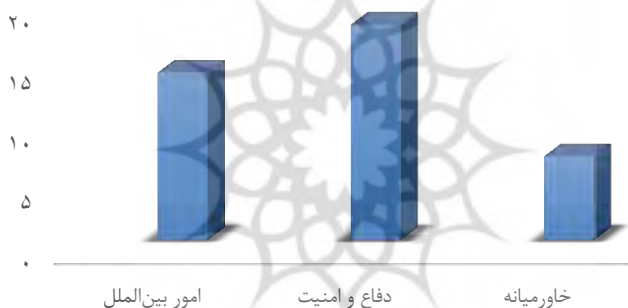
نمودار ۱. تعداد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در خصوص ایران در سال ۲۰۱۹

نمودار شماره ۱ تعداد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در قبال ایران را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. از میان بخش‌های تحقیقاتی مختلف این اندیشکده، بخش «امور بین‌الملل» با ۳۰ گزارش، بیشترین تعداد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در قبال ایران را به خود اختصاص داده است. بخش «امور بین‌الملل» این اندیشکده در خصوص ایران، حاوی گزارش‌هایی اعم از فشار امریکا بر ایران، احزاب سیاسی ایران، تأثیر سیاست‌های امریکا بر این احزاب و همچنین جنبش‌های اعتراضی شکل گرفته در ایران است. بخش تحقیقاتی «خاورمیانه» نیز با ارائه ۷ گزارش در رابطه با ایران در سال ۲۰۱۹، کمترین تعداد گزارش‌های این بخش را به خود اختصاص داده است.

نمودار ۲. درصد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در قبال ایران در سال ۲۰۱۹

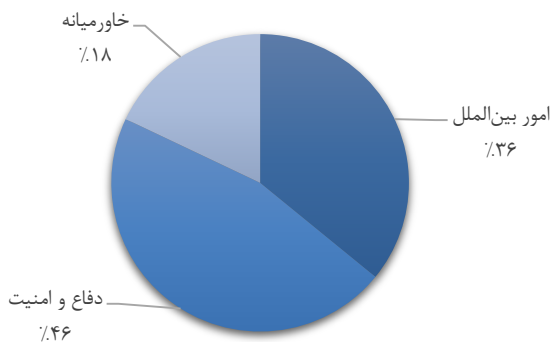


نمودار ۳. تعداد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در خصوص ایران در سال ۲۰۲۰



نمودار شماره ۲ نسبت گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در قبال ایران را در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد. همان‌طور که اشاره شد، بخش «امور بین‌الملل» بیشترین سهم (۶۱ درصد) از گزارش‌های این مؤسسه درباره ایران را به خود اختصاص داده است و بخش «خاورمیانه» با سهم ۱۴ درصدی، کمترین حجم گزارش‌های این مؤسسه در خصوص ایران را دارد.

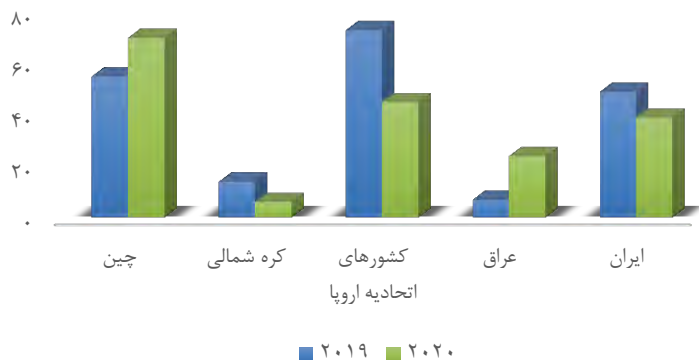
نمودار ۴. درصد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در خصوص ایران در سال ۲۰۲۰



نمودار شماره ۳ تعداد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در قبال ایران را در سال ۲۰۲۰ نمایش می‌دهد. بخش تحقیقاتی «دفاع و امنیت» در سال ۲۰۲۰ با ۱۸ گزارش، بیشترین تعداد گزارش‌های این اندیشکده در قبال ایران را به خود اختصاص داده است. در بخش تحقیقاتی «دفاع و امنیت»، گزارش‌هایی در خصوص اقدام متقابل ایران برای انتقام خون سردار سلیمانی، تمرکز امریکا بر عراق برای مقابله با نیروهای شبه‌نظامی وابسته به ایران و همچنین مقابله با توان موشکی و هسته‌ای ایران منتشر شده است. دلیل افزایش تعداد گزارش‌های این بخش تحقیقاتی در سال ۲۰۲۰، وقوع حادثه ترور سردار سلیمانی و اقدام متقابل نظامی ایران علیه امریکا است. بخش تحقیقاتی «خاورمیانه» در سال ۲۰۲۰ نیز با ثبت ۷ گزارش، کمترین تعداد گزارش در قبال ایران را در بر دارد.

نمودار ۴ نشان‌دهنده درصد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در قبال ایران در بخش‌های مختلف تحقیقاتی سال ۲۰۲۰ است. بخش «دفاع و امنیت» در سال ۲۰۲۰ با سهم ۴۶ درصدی، بیشترین حجم گزارش‌های این اندیشکده در قبال ایران در سال ۲۰۲۰ را به خود اختصاص داده است. گزارش‌های بخش تحقیقاتی «امور بین‌الملل» در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۵ درصد کاهش و بخش تحقیقاتی «دفاع و امنیت» حدود ۲۱ درصد افزایش یافته است. بخش تحقیقاتی خاورمیانه با وجود رشد ۴ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۹، کمترین حجم گزارش‌های این اندیشکده در قبال ایران را در سال ۲۰۲۰ دارد.

نمودار ۵. تعداد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در خصوص کشورهای مختلف



نمودار شماره ۵ تعداد گزارش‌های اندیشکده بروکینگز در خصوص کشورهای مختلف را نشان می‌دهد. گزارش‌های این اندیشکده در خصوص کشورهای مختلف حاکی از آن است که ایران در رتبه سوم گزارش‌های این اندیشکده قرار دارد. کشورهای عضو اتحادیه اروپا و پس از آن چین، به ترتیب رتبه‌های اول و دوم گزارش‌های این اندیشکده را به خود اختصاص داده‌اند. درواقع، نمودار ۵ نشان می‌دهد که ایران جزو کشورهای مهم در این اندیشکده است که تمرکز بر آن می‌تواند ایران را به یکی از موضوعات اصلی دولت بایدن تبدیل نماید.

۶. راهبرد پیشنهادی اندیشکده بروکینگز به دولت بایدن در خصوص عراق

طبق گزارش‌های اندیشکده بروکینگز، راهبرد حضور آمریکا در عراق با عنوان مقابله با تروریسم و مبارزه با داعش می‌تواند استمرار داشته باشد؛ اما حضور نیروهای بسیج مردمی عراق، به عنوان یک چالش برای تسلط آمریکا بر بغداد ارزیابی می‌شود. آمریکا به دنبال یافتن راه‌حل مناسبی برای مقابله با این نیروها است.

این اندیشکده بر این عقیده استوار است که تهدید رسمی بسیج مردمی عراق می‌تواند برای آمریکا و متحدانش نقطه آغازی پویا و پایدار جهت مقابله با این نیروها محسوب شود. چرا که منجر به نزدیکی دولت عراق به راهبرد مورد نظر ایالات متحده خواهد شد. از نظر کارشناسان اندیشکده بروکینگز، تغییر مواضع عراق و دولت آمریکا در مقابله با این نیروها بسیار قابل تحسین است اما

تهدید رسمی و برخورد نظامی با این نیروها ممکن است این حس را منتقل کند که امریکا همیشه از طریق حملات نظامی به تحرکات این نیروها پاسخ خواهد داد و این دغدغه را به وجود خواهد آورد که امریکا در آینده چگونه با این نیروها مقابله می‌کند.

با توجه به مشاوره‌های ارائه‌شده از سوی اندیشکده بروکینگز به دولت امریکا، بایدن باید بازیگران سیاسی عراقی متحد با امریکا را به سمت مقابله با بسیج مردمی عراق هدایت نماید. امریکا طی تلاش‌های صورت گرفته توانسته است روابط بهتری با نخست‌وزیر اقلیم کردستان عراق، مسرور بارزانی^۱ و دولت کاظمی برقرار نماید.

دولت بایدن و کاظمی در مذاکرات صورت گرفته برای جلب رضایت مخالفان استقرار نیروهای نظامی امریکا در عراق، به نتیجه واحدی رسیده‌اند. کارشناسان این اندیشکده بر این عقیده استوارند که برای مؤثر واقع شدن حمایت‌های ضد تروریسم امریکا و گسترش پایگاه‌های نظامی این کشور در عراق، امریکا باید با متحدان خود در عراق همکاری نموده و از این طریق سد راه نفوذ ایران در عراق شود.

بر اساس گزارش‌های این اندیشکده، ایجاد تهدید برای نیروهای نزدیک به ایران در عراق و برابر دانستن آن‌ها با تروریست، به همراه ایجاد بلوک متحدان امریکا در عراق می‌تواند اعتبار دولت بایدن و قدرت مذاکره امریکا بر سر موضوعات هسته‌ای و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران را افزایش دهد. در نظر گرفتن این تمهیدات به همراه حملات صورت گرفته علیه نیروهای بسیج مردمی در عراق منجر به کاهش فعالیت‌های این نیروها در عراق خواهد شد.

کارشناسان اندیشکده بروکینگز همچنین معتقد هستند که افزایش تحریم‌ها علیه افراد و نیروهای نزدیک به ایران می‌تواند فعالیت‌های این نیروها را کاهش دهد. اگر امریکا در حذف این نیروها و زیرساخت‌های آن‌ها موفق نشود، می‌تواند از ارائه حمایت‌های مالی و سازمانی به مؤسسه‌های عراقی مرتبط با ایران خودداری نماید. این تمهیدات می‌تواند منجر به ایجاد تعادل^۲ و کاهش فعالیت نفوذ ایران شود. در این شرایط، نقش نخست‌وزیر عراق پررنگ‌تر خواهد شد. چرا که وی می‌تواند با استفاده از جایگاه قانونی خود منافع امریکا را در تقابل با ایران تامین نماید.

۷. تحلیل راهبرد اندیشکده بروکینگز در چارچوب نظریه بازی‌ها

در بخش حاضر، تحلیل راهبردهای اندیشکده بروکینگز در قالب نظریه بازی‌ها ارائه می‌گردد. این اندیشکده، تمرکز ویژه‌ای بر موقعیت استراتژیک عراق برای ایالات متحده و ایران، از جهت تأمین

۱. Masrour Barzani

۲. Equilibrium

امنیت دفاعی معطوف داشته است. ایران از طریق گروه‌های مقاومت عراق و آمریکا نیز با پایگاه‌های نظامی موجود در این کشور، امنیت خود را تأمین می‌نمایند. اندیشکده بروکینگز نیز در این زمینه راهبردی طراحی نموده است و جدول زیر ماتریس پیامدهای بازی مربوط به راهبرد طراحی‌شده توسط این اندیشکده را نمایش می‌دهد.

جدول ۳. ماتریس داده‌های بازی مربوط به راهبرد اندیشکده بروکینگز در قبال ایران

ایران		
استمرار حمایت از	عدم حمایت از گروه‌های	
گروه‌های مقاومت عراق	مقاومت عراق	
حمایت از نخست‌وزیر عراق	U+, I-	U, I
ایالات متحده	عدم حمایت از نخست‌وزیر عراق	U-, I+
	U-, I-	

در الگوی فوق، با حمایت آمریکا از نخست‌وزیر عراق، دو گزینه پیش روی ایران قرار می‌گیرد. گزینه اول تصمیم به استمرار حمایت از گروه‌های مقاومت حاضر در عراق و درنهایت تأمین امنیت دفاعی ایران است که بازده (I) را نصیب ایران می‌سازد. ایالات متحده نیز با حمایت از نخست‌وزیر عراق به منظور حفظ پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور و درنهایت مقابله با گروه‌های مقاومت در عراق، بازده (U) را به دست می‌آورد. فرض کنید که در گزینه دوم، ایران گزینه عدم حمایت از گروه‌های مقاومت عراق را انتخاب نماید. در این حالت به دلیل کاهش فعالیت گروه‌های مقاومت در کشور عراق، امنیت دفاعی ایران کاهش خواهد یافت و ایران به بازده کمتری (I-) می‌رسد. در مقابل ایالات متحده به دلیل ابقای حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و افزایش امنیت این پایگاه‌ها و در نتیجه مقابله با حملات گروه‌های مقاومت، بازده بیشتری (U+) دریافت می‌کند؛ بنابراین، انتخاب این گزینه، بازده مورد انتظار ایران را کاهش می‌دهد و ایران این انگیزه را دارد که گزینه اول را حفظ نماید.

حال فرض کنید که دولت دموکرات ایالات متحده، سیاست دولت ترامپ در خصوص حمایت از نخست‌وزیر عراق را دوباره مورد بررسی قرار دهد و با دو گزینه مواجه شود. گزینه اول که همان استمرار حمایت از نخست‌وزیر عراق و حفظ پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشور است که منجر به حفظ اهرم فشار ایالات متحده در قبال گروه‌های مقاومت شده و بازده (U) را در پی دارد. گزینه دوم،

عدم حمایت از نخست‌وزیر عراق است که منجر به کاهش تعداد پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و افزایش خطر گروه‌های مقاومت شده و ضمن در پی داشتن بازده کمتر (U-)، به دلیل کاهش تعداد پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق، منافع بیشتری را برای ایران (I+) در پی خواهد داشت. چارچوب فوق نشان می‌دهد که گزینه مطلوب برای ایالات متحده، انتخاب گزینه اول و حمایت از نخست‌وزیر عراق است. با در نظر گرفتن این الگوی بازی، تعادل نش^۱ در وضعیتی رخ می‌دهد که هر دو کشور گزینه اول خود را انتخاب نمایند. ایران به حمایت از گروه‌های مقاومت عراق ادامه داده و ایالات متحده نیز همچنان به حمایت از نخست‌وزیر عراق بپردازد. انتخاب هر گزینه دیگری غیر از این گزینه که تعادل نش را به دنبال دارد، منجر به کاهش بازده بازیگران می‌شود.

بنابراین، تحلیل راهبرد ارائه شده از سوی اندیشکده بروکینگز نشانگر این است که این اندیشکده یک بازی برد-برد را برای دولت دموکرات آمریکا طراحی نموده است. در بازی طراحی شده توسط این اندیشکده، حمایت ایالات متحده از نخست‌وزیر عراق ضمن ابقای حضور پایگاه‌های نظامی آمریکا در عراق و افزایش امنیت این پایگاه‌ها، افزایش توان مقابله با گروه‌های مقاومت را نیز به دنبال دارد. از آنجایی که این وضعیت پایدار به نفع ایالات متحده است، دولت فعلی ایالات متحده نیز این تعادل را بر هم نخواهد زد. چراکه انتخاب هر گزینه دیگری غیر از گزینه تعادلی، منجر به کاهش بازده انتظاری هر یک از بازیگران خواهد شد.

۸. نتیجه

پژوهش حاضر نقش اندیشکده بروکینگز در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران را بررسی و این فرضیه را تأیید می‌نماید که حزب دموکرات و به تبع آن دولت بایدن از اندیشکده بروکینگز تأثیرپذیری بالایی دارند و تمرکز این اندیشکده بر موضوع ایران موجب شده است که ایران به یکی از مسائل اصلی سیاست خارجی دولت بایدن تبدیل شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشکده بروکینگز به عنوان یکی از اندیشکده‌های مطرح ایالات متحده مطالعات ویژه‌ای در رابطه با مسائل مرتبط با ایران اعم از امور بین‌الملل، دفاع و امنیت و خاورمیانه صورت می‌دهد و ایران پس از کشورهای اتحادیه اروپا و چین، جایگاه سوم را در سبد مطالعاتی این اندیشکده به خود اختصاص داده است. در پی وقوع حادثه ترور سردار سلیمانی و اقدام متقابل نظامی ایران علیه آمریکا در سال ۲۰۲۰، بخش تحقیقاتی دفاع و امنیت با سهم ۴۶

۱. Nash Equilibrium

درصدی، بیشترین تعداد گزارش‌های این اندیشکده در قبال ایران را به خود اختصاص داده است. این بخش تحقیقاتی موضوعاتی از قبیل اقدام متقابل ایران برای انتقام شهادت سردار سلیمانی، تمرکز امریکا بر عراق برای مقابله با نیروهای بسیج مردمی عراق و همچنین مقابله با توان موشکی و هسته‌ای ایران را مورد بررسی قرار داده است. این اندیشکده به‌منظور جهت‌دهی به سیاست خارجی امریکا علیه ایران، گزارش‌های خود را به‌صورت مستمر در اختیار کنگره و مقامات حوزه سیاست‌گذاری ایالات‌متحده قرار می‌دهد. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که این اندیشکده، با توجه به سابقه طولانی در حمایت از حزب دموکرات امریکا، تأثیر به‌سزایی در سیاست‌های اتخاذی دولت بایدن دارد.

بررسی راهبرد ارائه‌شده از سوی اندیشکده بروکینگز در خصوص حفظ امنیت دفاعی در چارچوب نظریه بازی‌ها بیانگر آن است که راهبرد حمایت از نخست‌وزیر عراق از منظر متفکران این اندیشکده تعادلی پایدار محسوب می‌شود، به‌گونه‌ای که حمایت دولت امریکا از نخست‌وزیر عراق منجر به حفظ پایگاه‌های نظامی امریکا در عراق و همچنین افزایش توان مقابله این کشور با گروه‌های مقاومت خواهد شد. با توجه به این وضعیت تعادلی طراحی‌شده در چارچوب نظریه بازی‌ها یک تعادل نش محسوب شده و دولت دموکرات آمریکا نیز این وضعیت تعادلی را دستخوش تغییر قرار نمی‌دهد. چراکه انتخاب هر گزینه دیگری منجر به کاهش بازده مورد انتظار دولت ایالات‌متحده خواهد شد.

منابع و مآخذ

انگلیسی:

- Abelson, D. E. (2018). *Do Think Tanks Matter?: Assessing the impact of public policy institutes* (Third Edition ed.): McGill-Queen's Press-MQUP.
- Ahmad, M. (2008). US Think Tanks and the Politics of Expertise: Role, Value and Impact. *The Political Quarterly*- ,555-529(4)79.
- Alaaldin, R. (2020a). Iran will lose the battle, but win the war. *Brookings Institution*.
- Alaaldin, R. (2020b). Was Iraq's prime minister right to go after an Iranian proxy? *Brookings Institution*.
- Amadae, S. M. (2016). *Prisoners of Reason: Game Theory and Neoliberal Political Economy*: Cambridge University Press.
- Anheier, H. K., & Toepler, S. (2009). *International Encyclopedia of Civil Society*: Springer Science & Business Media.
- Arin, K. Y. (2014). *Think Tanks, the Brain Trusts of US Foreign Policy*: Springer VS.

- Brookings. (2020). *Annual Report*. Brookings Institution.
- Chance, A. (2016). *Think Tanks in the United States: Activities, Agendas, and Influence*. Retrieved from ICAS Reports :
- Drezner, D. W. (2015). American think tanks in the twenty-first century. *International Journal*, 70(4), 637-644 .
- Einhorn, R., & Diepen, V. H. V. (2019). *Constraining Iran's missile capabilities*. Brookings Institution.
- Einhorn, Robert(2022) "Reviving the JCPOA is the better Alternative- but can it be Made Sustainable?" , brookings Institute.
- Fathollah-Nejad, A. (2020a). *Emerging pandemic-related triple crisis raises fears of protests in Iran*. Brookings Institution.
- Fathollah-Nejad, A. (2020b). *The Islamic Republic of Iran four decades on: The 2017/18 protests amid a triple crisis*. Brookings Institution.
- Fathollah-Nejad, A., & Naeni, A. (۲۰۲۰). *Iran's corona-diplomacy: The Rouhani administration's miscalculated*. Brookings Institution.
- Fathollah-Nejad, A., & Naeni, A. (2020b). *What explains the decline of Iran's moderates? It's not Trump*. Brookings Institution.
- Felbab-Brown, V. (2020). *Stuck in the middle: Iraq and the enduring conflict between United States and Iran*. Brookings Institution.
- Griffin, C. (2012). *Game Theory: Penn State Math 486 Lecture Notes* .
- Haass, R. N. (۲۰۰۲). Think tanks and US foreign policy: A policy-maker's perspective. *U.S. Foreign Policy Agenda*, 7(3), 5-8 .
- Maloney Suzane (2023) " *Iran's Escalating Threats: Assessing U.S Policy toward Iran's Malign Activities*", September 14, Brookings Institute.
- Maloney, Suzanne (2024) "Tehran's Shadow Army : *Addressing Iran's Proxy Network in the Middle East*", 28 February, Brookings Institute.
- Maurice, G., Hristova, E., & Lalev., E. (2010). *Models for cooperative decisions in Prisoner's Dilemma* .
- McGann, J. (2005). Think tanks and policy advice in the US. *Foreign Policy Research Institute*, 3(4) .
- McGann, J. (2007). *Think Tanks and Policy Advice in the United States*: Routledge.
- McGann, J. (2011). *Think Tanks: The Global, Regional and National Dimensions*. *Briefing Paper*, 8-15 .
- Peterson, M. (2015). *The Prisoner's Dilemma*: Cambridge University Press.
- Poundstone, W. (1992). *Prisoner's Dilemma*: Doubleday.
- Rosenmüller, J., & Trockel, W. (2001). *Game Theory* (Vol. 25.)
- Wiarda, H. J. (2008). The New Powerhouses: Think Tanks and Foreign Policy .*National Committee on American Foreign Policy*, 30(2), 96-117.